

# این فوتبال است یا جنگ اعصاب؟!

با پایان گرفتن رقابت های لیگ دسته یک جنگ اعصاب شروع شده است. هنوز دو هفته ای از آخرین سوت دیدار شهرداری اردبیل و پیکان گذشته است که چندین فقره دعوی درست و حسابی را شنیده و تماشا کرده ایم. نمی دانم چرا اینجوری شد تا می خواهی حرفی از تیم و فوتبال بزنی اوضاع قاراشمیش می شود. مثل اینکه اینجا همه با هم دعوا دارند این طوری که رفتار می شود گویی عده ای می خواهند زمینه را برای شروع یک جنگ اعصاب تمام عیار طولانی آماده نمایند. بعد از اوضاع و احوالی که با پایان لیگ در اطراف تیم حاکم شد هر کس به فراخور حال یکی را مقصر دانسته و یقه این و آن را گرفتند و در مواقعی برای بازیکنان، تماشاگران و ... آبرویی باقی نگذاشتند. به طور تصادفی با دو تن از افتخار آفرینان فوتبال دهه 60 اردبیل مواجه شدم. تا سر صحبت با آنها را باز کردم ناخودآگاه جو مسموم و آلوده این روزهای فوتبال اردبیل محور حرف ها شد. آنها گفتند ما فوتبال را برای فوتبال بازی می کردیم. فوتبال را برای لذت بردن بازی می کردیم. تماشاچی هم که به ورزشگاه می آمد در وهله اول برای تفریح می آمد. اون لذتی که توی زمین ماها از بازی کردن می بردیم، به سکو ها منتقل می شد و تماشاگر از دیدن بازی لذت خودش را می برد.

وضعیت قرمز و جو متشنج فوتبال امروز استان ما حرف دیگری از مهدی مهدوی کیا بازیکن فراموش نشدنی فوتبال ایران اسلامی را به یاد می اندازد که گفت: در ایران ما بلد نیستیم چطوری از فوتبال لذت ببریم. نه بازیکن از این فوتبال لذت می برد، نه مربی، نه تماشاگر، نه کارشناس و نه..... و خلاصه نه هیچکس دیگر.

اگر گفته های آن دو پیشکسوت و این بازیکن معروف و نامی را جمع بزنیم باید بگوئیم که فوتبال در وهله اول برای لذت بردن و تفریح کردن و پر کردن اوقات فراغت است بنابر این ما باید یاد بگیریم چه می بریم، چه می بازیم، چه تیم محبوبمان می برد، چه می بازند، در درجه اول از آن دو ساعت وقتی که برای فوتبال گذاشته ایم، چه بازی بکنیم و چه تماشاگر باشیم، حسابی لذت ببریم و تفریح بکنیم و در ادامه اش بعد از بازی حاشیه اش نیز لذت بخش باشد. اما دیده ایم که ما هم در جریان بازی ها و هم بعد از پایان لیگ با چه مصائبی روبرو گشته ایم. دیده ایم که از بازار جنگ و دعوا و انگ و تهمت و حریم شکنی و پرده دری و بی حرمتی و فحش و بدگویی و غیبت و تهمت و کینه توزی و نفرت و تنفر و... چیزی گیرمان نمی آید و می بینیم

مربی با مربی درگیر است، بازیکن با مدیر، مربی با بازیکن، بازیکن با خبرنگار و خبرنگار با مدیر.

یکی پیدا نمی شود بگوید و فریاد بکشد که با با مسابقات فوتبال چه در لیگ برتر و چه در دسته دو و سه برای این به پا شده اند که مردم، جوان ها، علاقه مندان و ... توی ورزشگاهها و در خانه ها و پای جعبه سحر انگیز بنشینند و لذت ببرند و وقت فراغت خودشان را به شکل سالم پر کنند.

امروز فوتبال ما به عرصه ای برای بداخلاقی ها و دعواها تبدیل شده است و این فوتبال و این بازی که در همه دنیا لذت آور و بهجت آفرین است برای ما به جنگ اعصاب تبدیل شده است.

باید بپذیریم که فضای حاکم بر فوتبال و حاشیه های آن به جز یاس و ناامیدی و به جز تاسف و افسوس هیچ حاصلی برای مردم و جامعه نمی تواند داشته باشد. وقتی انسان در فضای مجازی و در گروههایی که به نام هواداران ایجاد شده است مراجعه می کند از مشاهده حرف ها، سخنان، دشنام ها و فحش هایی که رد و بدل می شود و اتهاماتی که به این و آن زده می شود عرق شرم بر پیشانی نقش می بندد.

بعضی ها می خواهند وانمود بکنند که با سقوط تیم، دنیا به آخر رسیده است و همه چیز برای فوتبال اردبیل تمام شده است و با تبلیغ هرچه بیشتر این فکر و ایده می خواهند جو را از آن چه هست آشفته و آشفته تر بکنند.

تماشاگر واقعی برای حمایت از تیم محبوب خودش به لیگ و جایگاه تیم نگاه نمی کند. مگر ندیدیم و نشنیدیم که در دیدار سپیدرود رشت با بادران در آخرین دیدار لیگ دسته دوم بیش از 20 هزار نفر در ورزشگاه عضدی رشت حضور داشتند و دیوانه وار تیم خود را تشویق می کردند. برای تماشاگر واقعی شهرداری فرقی نمی کند که این تیم در لیگ برتر باشد یا در دسته دوم، باید بیایند و سکو ها را پر بکنند و از تماشای بازی تیم محبوب لذت ببرند.

آقایانی که با قایم شدن در پشت تماشاگران کم تجربه و احساساتی همچنان به فکر ادامه دادن روش و سبک و سیاق خود در دنیای فوتبال هستند بخود آیند و از سوء استفاده از احساسات تماشاگران و علاقه مندان به تیم دست بردارند و اجازه بدهند تماشاگران و دوستداران فوتبال به سربلندی و سرافرازی تیم و راههای رسیدن به آن هدف برنامه ریزی نمایند و در نهایت همه آنهایی که در ایجاد جو آشفته فوتبال سهمی دارند و نقشی ایفا می کنند از کرده خود پشیمان شوند و فوتبال را به حال خود رها بکنند و امکان نفس کشیدن در محیطی آرام و سرشار از اکسیژن را برای دست اندرکاران فراهم کنند تا بتوان تیمی سرحال، آماده، قברاق و پرتوان را برای فصل بعد آماده

کنند و همه دست به دست هم بدهند و بساط ناسزاگویی و حرمت شکنی را جمع کنند و با حرکات سخیف و چندیش آور دامن تیم محبوب شهرداری و هواداران راستین آن را آلوده نمایند.